



تحولات سوریه و اقدامات داعش

دکتر امین پرتو*

اشاره:

سرانجام پس از چهار سال، نبرد حلب با پیروزی نیروهای دولتی سوریه به پایان رسید. مخالفان که در بخش شرقی شهر محاصره شده بودند، چاره‌ای جز تسلیم یا نبرد تا پای مرگ نیافتند. کنترل مجدد بر حلب به صورت کامل، نه فقط بزرگترین پیروزی برای بشار اسد از آغاز جنگ داخلی، که بزرگترین شکست برای مخالفان او هم هست که باید شکست نظامی مزبور را در کنار بی‌اعتباری سیاسی-نظامی در میان هواداران داخلی و خارجی خود و پریشانی بیشتر در صفوفشان، بر خود هموار کنند. در این میان، داعش دست به عملیات نظامی وسیعی در عراق و سوریه زد؛ این گروه در حالی که از نظر نظامی، به طور غیرمنتظره‌ای احیا شده بود، نه فقط تهاجم ارتش عراق به سوی موصل را با موفقیت دفع کرد، بلکه در سوریه با تصرف مجدد شهر تدمر که پیش‌تر از تصرف، آزاد شده بود، بسیاری از چاه‌های نفت و گاز و پایگاه‌های نظامی مملو از اسلحه و مهمات ارتش سوریه را به تصرف درآورده و به سوی عمق استان حمص به پیش تاخته است.

مقدمه

تحلیل دقیق شکست‌ها و پیروزی‌های رخ داده در جنگ داخلی سوریه، چنان به روابط پنهان سیاسی طرف‌های درگیر در این جنگ پیوند خورده است که بدون شناخت آنها به دشواری می‌توان به کنه و ماهیت این تحولات پی برد. هم پیروزی نیروهای دولتی در حلب و هم احیای نظامی داعش در سوریه، موجی از نظریات توطئه را موجب شده است که هر یک برای خود، مبتنی بر پاره‌ای از شواهد غیرقابل انکار، ادعای صدق و صحت دارند. در مورد حلب، برخی مخالفان بر توطئه مشترک آمریکا، ترکیه و جناح‌هایی از مخالفان اسد از یک سو و ایران، روسیه و کردها از سوی دیگر تأکید می‌کنند. در ماه‌های اخیر، ارسال مهم‌ترین ابزار برتری نظامی برای مخالفان اسد، یعنی

موشک‌های ضدتانک، تقریباً به صفر رسیده است. برآورد تعداد موشک‌های ضدتانک شلیک شده از سوی مخالفان، کاهش بسیار شدید آن را نشان می‌دهد. برای مثال در ماه اوت ۲۰۱۶ وقتی کوشش نیروهای دولتی برای محاصره در شمال حلب از طریق حفظ جاده کاستلو در حال انجام بود، مخالفان ۱۱۸ موشک ضدتانک شلیک کردند که آسیب جدی به نیروی زرهی، خطوط انتقال ملزومات و نیروی انسانی نیروهای دولتی وارد کرد؛ اما این رقم در سپتامبر و اکتبر، به ترتیب به ۴۲ و ۳۸ عدد و در نوامبر به ۲۷ عدد رسید.^۱ مخالفان در عوض به راکت پراکنی بی‌دقت به سوی مناطق تحت کنترل نیروهای دولتی روی آورده بودند که ثمره نظامی چندانی نداشت. در این مدت، آنها نه فقط موشک دستی ضدهوایی به دست نیاوردند که تنها سلاح مؤثرشان یعنی موشک ضدتانک هم کمتر به آنها تحویل داده می‌شد. بسیاری از مخالفان، این نکته را گواه آشکاری بر نقشه آمریکایی مبنی بر صرف نظر از مخالفان اسد و رها کردن آنها در برابر روسیه و ایران می‌دانند. مخالفان، ترکیه را هم به شدت متهم می‌کنند.

۱. آمار مزبور را که از روی ثبت ویدیوهای شلیک و ضبط شده توسط شورشیان است به تفکیک نوع تسلیحات اینجا بیابید:



زمانی که عملیات محاصره حلب و پاکسازی بخش شرقی آن شروع شد، ترکیه بخش بزرگی از «ارتش آزاد» را روانه نبرد با داعش در عملیات «درع الفرات» در شمال حلب کرد. عملیاتی که بسیار کند انجام می‌گیرد و گویی ترکیه، در هماهنگی با روسیه، با اتلاف وقت در پیشروی به سوی الباب و فراتر از آن، نابودی مخالفان در حلب را به نظاره نشسته است. گرچه در ابتدا برخی مشارکت کنندگان (مانند فرمانده فرقه سلطان مراد) در «درع الفرات» از این سخن می‌گفتند که جبهه تازه‌ای علیه اسد از شمال حلب خواهند گشود تا فشار بر بخش شرقی کم شود اما آنان نه فقط از این کار سر باز زدند، بلکه تماماً از تصرف سریع الباب و حرکت به سوی جنوب خودداری کردند تا با نیروهای دولتی رودررو نشوند. البته نه فقط اتاق عملیات «درع الفرات»، بلکه گروه‌های دیگر مخالف هم پس از شکست در عملیات در غرب حلب، از ادامه عملیات جدی علیه نیروهای دولتی خودداری کردند. احرار الشام و مؤتلفانش، تقریباً در سکوت محض به سر بردند؛ عملیات در محور حما یا اثریا-خنصر یا جبهه‌های جنوب و جنوب غرب حلب، که می‌توانست فشار بر حلب را کم کند، پیگیری نشد و مخالفان به راکت‌باران شهرهای علوی‌نشین در محاصره (فوعه و کفریا) بسنده کردند. برخی این روند را ناشی از اختلافات داخلی در احرار الشام و نیز میان گروه مزبور با «فتح الشام» (النصره سابق) می‌دانند. کردها (ی‌پ‌گ) هم چه در محله «شیخ مقصود» حلب و چه در حومه شمالی حلب، در کمک به نیروهای دولتی در عملیات علیه بخش شرقی نقش مؤثری داشتند. مخالفان مسئله را به توافقات پشت پرده میان آمریکا و کردها با روسیه و اسد در خصوص حفظ کردستان سوریه منسوب می‌کنند. مطلبی که حتی از سوی برخی دیپلمات‌های سابق آمریکایی که در تماس با محافل رسمی واشینگتن هستند هم، تأیید شده است.^۱

این نگاه توطئه‌محور، نسبت به قدرت‌نمایی مجدد داعش در سوریه هم دیده می‌شود. ماه‌ها پس از پاکسازی تدمر، داعش دوباره بر تدمر مسلط شده، قریب به یک‌هزار نیروی هوادار اسد را کشته، انبوهی از تجهیزات نظامی را به غنیمت گرفته و همزمان به سوی شهر قریتین پیش تاخته است. نیروهای اسد بدون نبرد و مقاومتی جدی، تدمر و سایر سنگرها را رها کرده و گریخته‌اند. از ۶۶ عملیات هوایی روسیه و سوریه علیه داعش سخن رفته و اینکه دست کم ۳۰۰ نیروی داعش کشته شده‌اند، اما داعش همچنان به پیش می‌تازد. علت این

۱. برای مثال، پیترو گالبرایت، دیپلمات سابق آمریکایی با مقاله زیر خطوط کلی این توافق را برملا ساخت:

Peter Galbraith, How the War Ends in Syria? New York Times, Dec 6, 2016

شکست فاحش ظاهراً این است که بخش بزرگ و کارآمد نیروهای هوادار اسد در حلب و پیرامون آن مستقر و مشغول عملیات پاکسازی هستند. داعش هم با انتقال بخشی از نیروهایش از عراق به سوریه و نیز آماده‌سازی طولانی در ماه‌های اخیر در حمص و بادیه دست به چنین حمله برق‌آسا و موفقی زده است. مخالفان در مقابل ادعا کرده‌اند که تمام ماجرای سقوط تدمر به توطئه مشترک روسیه-اسد و ایران مربوط است: داعش که در ماه‌های اخیر زیر ضربات پیاپی از جانب ی‌پ‌گ (کردهای سوریه) و ائتلاف ارتش آزاد-ترکیه متحمل ضعف جدی شده با این پیروزی‌های تبلیغاتی و به دست آوردن حجم عظیمی اسلحه و مهمات، احیای مصنوعی شده است. داعش با این احیای توان نظامی، پیشروی ائتلاف ارتش آزاد-ترکیه در شمال حلب یا ی‌پ‌گ (کردها) در رقه را خواهد گرفت یا دست کم تلفاتی سنگین بر آنها وارد خواهد کرد.

پاک‌سازی حلب از مخالفان

عاقبت پس از چهار سال درگیری، نبرد حلب با پیروزی نیروهای دولتی خاتمه یافت. نبردی که تلفات آن از جولای ۲۰۱۲ تا دسامبر ۲۰۱۶ به بیشتر از ۱۰۸ هزار کشته رسید که ۶۲ هزار نفر آن غیرنظامیان بودند.^۲ نبرد حلب، چرخه‌ای طولانی از جنگ فرسایشی را نشان می‌دهد. مخالفان در ابتدا در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به جز چند نقطه معدود در حلب و پیرامون آن، همه نقاط شهر و حاشیه آن را در تسلط داشتند. با این

۲. به نقل از:

The Monthly Statistical Report on victims, November 2016 Violations Documentation Center in Syria – VDC, at: <http://vdc-sy.net/Website/wp-content/uploads/2016/12/November-report-Eng.pdf>

روی کاغذ محاصره حلب را بشکنند اما با ضدحمله نیروهای دولتی، محاصره مجدداً تحکیم شد. مخالفان همین طور دست به عملیات در جبهه‌های دیگر (در شمال حما، مسیر اثریا- خناصر، شمال حمص و حومه لاذقیه) هم زدند تا از تمرکز نیروهای دولتی در عملیات حلب بکاهند اما این اقدامات تأثیری در اراده و تمرکز نیروهای دولتی برای فتح حلب نداشت. اگر توطئه‌هایی را که مخالفان ادعای وجود آن را می‌کنند، نادیده بگیریم باید اذعان کرد اراده جدی روسیه برای فتح حلب از دو طریق تضمین سیاسی (در شورای امنیت با کاربرد حق وتو) و حمایت نظامی (استقرار گسترده پدافند هوایی و اخطار جدی در خصوص دخالت دولت‌های خارجی) مانع از آن شد تا دخالت خارجی سرنوشت عملیات حلب را تغییر دهد. از این گذشته، ایران نیز با فراهم آوردن گروه‌های شیعی برای نبرد حلب در محیط شهری متراکم، نقش محوری در کسب پیروزی در حلب داشت. تاکتیک نظامی به کار برده شده در خصوص حلب، همان تاکتیکی بود که پیش‌تر موفقیت خود را در داریا و معظمیه اثبات کرده بود و در مورد غوطه شرقی و حومه شمالی حمص هم اجرا خواهد شد. با محاصره‌ای پایدار، مخالفان نیرو و مهمات خود را از دست می‌دهند و زمانی که ضعف آنان به مرحله مناسب رسید، هجوم نهایی انجام می‌شود: بمباران سنگین هوایی از نوع «بمباران فرشی» که از حیث رعایت‌نشدن حقوق جنگ مورد انتقاد قرار دارد؛ کاربرد متراکم آتش توپخانه و حرکت واحدهای پیاده در پناه ادوات زرهی. خودداری مخالفان برای تسلیم‌شدن و کسب امان برای خروج از بخش شرقی (مانند داریا، معظمیه و خان الشیخ) سبب شد تا بسیاری از آنان تا پای جان بجنگند و این زمان عملیات را طولانی و تلفات بیشتری به نیروهای دولتی وارد کرد. جناح‌هایی از مخالفان خواستار انتقال به حومه شمالی حلب (بین جرابلس و مارع که در اختیار ارتش آزاد است) شده‌اند اما دولت سوریه، مخالفت کرده و انتقال آنها به این منطقه را موجب تقویت جبهه مزبور و شروع نبردی جدید علیه خود از آن جانب می‌داند و در مقابل پیشنهاد کرده آنان به غرب و منطقه ادلب منتقل شوند. این حرکت هوشمندانه به این سبب است که با ورود آنان به این منطقه که فتح الشام در آن دست بالا را دارد، موجب تشدید اختلافات داخلی مخالفان می‌شود. به خصوص اینکه سقوط حلب و سکوت نسبی فتح الشام در مراحل واپسین، زمینه برخورد را از هم اکنون فراهم ساخته است. پس از سقوط بخش شرقی حلب، گروه‌هایی از مردم در ادلب و نواحی مجاور آن، علیه گروه‌های مخالف دست به تظاهرات زدند که چرا برای نجات حلب شرقی در چند هفته اخیر منفعل بوده‌اند.

حال، آنان نتوانستند کار را در حلب یکسره کنند: مقاومت نیروهای دولتی، سیاست خاص کردها در این نبرد، اختلافات درونی آنها و البته ناتوانیشان از پایداری در برابر ضدحملات نیروهای دولتی، به شکست نهایی آنها در نبرد حلب منتهی شد. نخستین مرحله از عملیات برای فتح حلب در اکتبر و دسامبر ۲۰۱۵، تعریض منطقه تحت کنترل نیروهای دولتی در غرب و جنوب غربی حلب و نیز در قسمت شرقی بود. به این ترتیب، از فشار دشمن از غرب (ائتلافی از ارتش آزاد، جبهه اسلامی و جبهه نصرت یا فتح الشام کنونی) و شرق (داعش) به خطوط مواصلاتی خودی کاسته شد. در مرحله بعدی یعنی فوریه ۲۰۱۶، حملات ادامه یافته و منتهی به تسلط بر پایگاه هوایی کویرس که در اشغال داعش بود، گردید و سپس محاصره نبل و الزهرا شکسته شد. مراحل بعدی این عملیات عبارت بود از قطع جاده کاستلو، محاصره حلب از قسمت شمال و همکاری با ی‌پ‌گ (کردها) در تحکیم محاصره که با حمله از طریق محله شیخ مقصود، تصرف منغ، تل رفعت و شیخ عیسی توسط کردها که میان نیروهای دولتی و باقی‌مانده ارتش آزاد، حائل ایجاد می‌کرد و از ایجاد خطر آنان برای محاصره حلب ممانعت کرد. امواج حمله مخالفان برای شکست محاصره حلب هم همگی شکست خورد یا موفقیتی ناچیز داشت. یک موج حمله در جنوب غرب حلب موجب تسلط شورشیان بر خان طومان و الوعیس شد و ممکن بود به سقوط الحاضر بیانجامد که پیشروی مخالفان شکست خورد. حملات دیگر از شمال (جاده کاستلو) و جنوب غربی و در نهایت غرب، همگی با شکست مواجه شدند. حمله از جنوب غربی یک بار توانست به صورت شکننده و



وضعیت و اقدامات داعش

حمله ناگهانی داعش به تدمر و تصرف این شهر، که با تبلیغات بسیار نه ماه پیش توسط نیروهای دولتی از اشغال داعش آزاد شده بود، شگفتی آور شد. میزان توفیق داعش، بهت آور است: داعش پس از تصرف حویسیس و میادین گازی و نفتی پیرامون آن، تدمر را ظرف دو روز تصرف کرد؛ به سوی غرب یعنی قریبتین پیش تاخت و شهر تیاس و فرودگاه تی ۴ را زیر ضربه مستقیم و در خطر سقوط قرار داده است. حجم غنایم جنگی که داعش به دست آورده، بسیار زیاد است و باید انتظار آن را داشت که داعش با بهره جستن از این غنایم در برخی جبهه‌ها بیشتر خودنمایی کند. مطابق با داده‌های میدانی، داعش در درگیری‌های اخیر تدمر و پیرامون آن، ۴۴ فروند تانک، هفت نفربر بی ام پی ۱، هفت قبضه توپ ۱۲۲، ۱۴ وانت مسلح به تیربار ۲۳ و نیز تعداد نامشخصی زره‌پوش شیلیکا (ضدهوایی ۲۳)، راکت‌انداز گراد، موشک ضدتانک و حجم نامشخصی مهمات سبک و سنگین به دست آورده است. این رقم به جز تجهیزات نظامی منهدم شده بر اثر عملیات نظامی داعش است. روسیه و سوریه کوشش کرده‌اند جلوی پیشروی داعش به سوی غرب را بگیرند. تسلط داعش بر تدمر یا حتی در ادامه قریبتین، پیامد استراتژیکی به ضرر اسد نخواهد داشت. اما اگر این پیشروی به صورتی غیرقابل کنترل در آید (مثلاً نیروهای داعش به سوی شمال یا غرب رفته و مسیر حمص-حلب یا حمص-دمشق را قطع کنند) خطری جدی نیروهای اسد را تهدید خواهد کرد. احتمال چنین خطری اندک به نظر می‌رسد: نیروی داعش اندک است (حدود پنج هزار نفر) و امتداد آنها در چنین جبهه گسترده‌ای، آنان را تضعیف خواهد کرد. به علاوه داعش در رقه، الباب، قلمون شرقی و شدادی در نبرد با کردها و ترکیه و گروه‌هایی از مخالفان می‌جنگد و ناگزیر است نیرو و تسلیحات جدید به دست آمده را مصروف دفاع از خود در آن جبهه‌ها کند.

داعش در قلمروهای دیگر خود هم شاهد نشیب و فراز بوده است. در لیبی، عاقبت از پی چند ماه محاصره یک مجتمع ساختمانی در شهر سرت، نیروهای داعش پاکسازی شدند. در میان افرادی که در این مجتمع دستگیر شدند، «ترکی بنعلی» قرار دارد؛ مفتی بحرینی جوان و نامدار داعش که زعامت ایدئولوژیک و فقهی گروه را بر عهده داشت. گرچه داعش دیگر در لیبی صاحب قلمرو نیست، اما تردیدی نیست همچنان دارای برخی هسته‌های خفته در این کشور است که ممکن است دست به عملیات تروویستی بزنند.

در عراق، داعش پس از شکست ابتدایی در حومه موصل، توانسته است با موفقیت حمله نیروهای دولتی را دفع کند و تلفاتی سنگین بر

آنان وارد سازد. محاصره بخش غربی موصل توسط نیروهای حشدالشعبی، سبب شده است که داعش راه گریزی از شهر نداشته و با تمام توان به دفاع بپردازد. داعش با کاربرد گسترده کمین علیه نیروهای دولتی عراق و استفاده وسیع از خودروهای زرهی انتحاری، صدمات سنگینی به نیروهای دولتی وارد کرده است. دولت عراق تصمیم گرفته برای جلوگیری از نشر اخبار پیروزی‌های داعش در موصل، که آن را جنگ تبلیغاتی معرفی می‌کند، خبررسانی در خصوص عملیات را تا مدتی متوقف کند. با این حال تصاویری که داعش منتشر کرده، صدها خودروی زرهی ارتش عراق را نشان می‌دهد که منهدم شده یا به غنیمت داعش درآمده‌اند. گفته شده بیش از هزار نیروی دولتی عراق در عملیات ماه گذشته در موصل کشته شده‌اند، بدون آنکه پیشروی چندان به دست بیاید. ده‌ها خودروی زرهی (به ویژه از دو نوع بی ام پی-۱ و هامر) هم منهدم شده یا به دست داعش افتاده و نیروهای دولتی را متقاضی دریافت تجهیزات ساخته است. نیروهای دولتی، کوشش کرده‌اند با حملات هوایی که نیروی هوایی عراق و ائتلاف به رهبری آمریکا صورت می‌دهد داعش را پس برانند؛ اما این حملات، تلفات غیرنظامی گسترده‌ای در برداشته است: در موصل دست کم یک صد غیرنظامی و در القائم ده‌ها غیرنظامی بر اثر این حملات هوایی کشته شدند. به طور کلی به نظر می‌آید فعلاً عملیات آزادسازی موصل با مشکل جدی نظامی مواجه شده است. پایداری نیروهای داعش به‌رغم شکست اولیه آنها غیرمنتظره بوده و اکنون هم با روحیه بیشتری مقاومت می‌کنند. تلفات نیروهای دولتی و تلفات غیرنظامی هم قابل توجه است و محاصره موصل هم موجب شده تا داعش به جای



گریز از شهر، تا پای جان در آن مقاومت کند. محاصره کامل موصل و فقدان راه خروج، در افزایش مقاومت آنها مؤثر بوده است.

سایر تحولات نظامی و سیاسی در سوریه

در همان حال که حلب و سپس تدمر، مهم‌ترین خبرهای مربوط به سوریه هستند، در سایر نقاط هم جنگ داخلی، با شدت کمتری ادامه دارد. درگیری‌ها در غوط شرقی، با پیشروی آرام اما همچنان رو به جلوی نیروهای دولتی ادامه دارد. مخالفان تنها کوشش می‌کنند سرعت این پیشروی را کند و تا حد امکان، تلفات بیشتری بر نیروهای اسد تحمیل کنند. آنان شکستی مشابه حلب در برابر خود می‌بینند. در شمال دمشق، شهر «التل» تسلیم شده و شورشیان، انتقال خود به ادلب را پذیرفتند. برای شهر «کناکر» در استان درعا هم طرح مشابهی در حال اجرا است. البته عملیات نظامی نیروهای دولتی در درعا با مشکل جدیدی مواجه شده است که به همان معادلات پشت پرده مربوط است. نیروهای دولتی، حاشیه شهر «شیخ مسکین» را پاکسازی کرده و نوار امن پیرامون آن را گسترش داده‌اند اما با تهدید اسرائیل در خصوص عملیات در جنوب سوریه مواجه هستند. گفته شده است که اسرائیل با استقرار نیروهای حزب‌الله یا نیروهای دیگر وابسته به ایران در طول خطوط مرزی با جولان اشغالی مخالف است. ادعا شده سه حمله هوایی اسرائیل در ماه گذشته علیه مناطق مجاور این منطقه که شدیدترین آن حمله به پایگاه هوایی نظامی «مزه» در جنوب غربی دمشق بود، با هدف انهدام تجهیزات نظامی مهیا شده برای عملیات علیه درعا صورت گرفته است. گفته می‌شود اسرائیل در این خصوص هماهنگی‌های لازم با روسیه را به عمل آورده و روسیه هم،

حزب‌الله و ایران را از هرگونه اقدامی که سبب تحریک اسرائیل شود، برحذر داشته است.

در شمال حلب، ترکیه همچنان به دفع‌الوقت مشغول است. گرچه ترکیه حمله نهایی به الباب را اعلام کرده اما اقدامی به جز محاصره شهر از سه جهت صورت نداده است. به جز حملات هوایی یا توپخانه‌ای محدود علیه مواضع داعش (که تلفات غیرنظامی هم به بار آورده)، تهاجم جدی به الباب صورت نگرفته است. ترکیه اسارت دو سرباز خود در دست داعش، احتیاط در حفظ جان نیروهای خود و غیرنظامیان و ادامه‌داشتن روند تقویت نیروهای خود در سوریه را علت این حرکت کند اعلام کرده است. نیروهای ترکیه در شمال الباب، در یک مورد، هدف تهاجم هوایی هواگردهای ناشناس قرار گرفتند که منجر به کشته‌شدن سه سرباز ترکیه شد. روسیه و سوریه، هر دو دست‌داشتن خود در این حمله را رد کردند؛ برخی رسانه‌ها هم حمله را منسوب به یک هواپیمای بدون سرنشین ساخت ایران کردند. ترکیه در پاسخ، تعدادی سامانه دفاع هوایی را در این منطقه مستقر کرده است.

کردها (ی‌پ‌گ) که عملیات خود از دو جهت شرق و غرب الباب را شدت بخشیده بودند، با رسیدن نیروهای ترکیه به جاده منبج الباب حلب، از پیشروی خودداری کرده‌اند. آنان به عملیات علیه داعش در شمال رقه ادامه داده و تعدادی از روستاها را اشغال کرده‌اند. احمد الجربا، یکی از سرکردگان معارضان به اصطلاح «میان‌ه‌روی» اسد، اعلام کرده است در جبهه شدادی، به نیروهای ی‌پ‌گ در عملیات علیه داعش خواهد پیوست. گروه‌هایی از عشایر سنی شرق سوریه و غرب عراق، قرار است به این عملیات بپیوندند. این اقدام جریبا مورد حمله و فحاشی مخالفان اسد (ارتش آزاد که با ی‌پ‌گ دشمن است) شده است. آمریکا از این اقدام حمایت کرده و برای تقویت عملیات علیه داعش، اعلام کرده است که ۲۰۰ نظامی آمریکایی دیگر را به سوریه خواهد فرستاد. آمریکا به علاوه لغو محدودیت‌های قانونی ارسال سلاح به سوریه را اعلام کرده است. گرچه مخاطب این لغو محدودیت به روشنی اعلام نشده، اما به نظر می‌آید مقصود آن نه ارتش آزاد یا مخالفان به اصطلاح میان‌ه‌روی اسد، که ی‌پ‌گ است. اقدامی که آشکارا با هدف تقویت کردها در برابر ترکیه و نیز مقاومت عربی است که علیه توسعه‌طلبی ارضی ی‌پ‌گ در مناطق عرب‌نشین در حال تکوین است. آمریکا به عملیات هوایی علیه داعش در سوریه هم ادامه داده است: ترور سه سرکرده ارشد داعش (که دو نفر از آنان در حملات تروریستی پاریس دست داشتند) در حمله هوایی به رقه مهم‌ترین مورد بود: دو تن از آنان، صلاح غورمات و سامی جدو، به



ابومحمد العدنانی فرمانده عملیات خارجی داعش که پیش تر در اوایل سال جاری در حمله هوایی کشته شد، نزدیک بودند.

تحول دیگر به افشای مذاکرات ایران و ترکیه در مورد سوریه مربوط است. گروه بین‌المللی بحران^۱ ادعا کرده است که ایران و ترکیه در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ مذاکراتی مخفی بر سر پیشنهاد صلح در سوریه داشتند که به دلیل بدبینی متقابل بی‌نتیجه ماند. بر مبنای این گزارش سه ماه پس از ریاست جمهوری دکتر روحانی، ایران پیشنهاد صلحی را که با مشورت سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه تنظیم شده بود به آنکارا ارائه می‌دهد. این طرح آتش‌بس و متعاقب آن تشکیل دولت وحدت ملی، اصلاح قانون اساسی با هدف محدود کردن اختیارات رئیس‌جمهور و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی تحت نظر سازمان ملل متحد را در نظر داشت. طرح مذکور موضوع چند ماه رفت و آمد دیپلماتیک میان محمد جواد ظریف و احمد داوود اغلو، وزیران خارجه ایران و ترکیه، بود تا سرانجام به دلیل اختلاف بر سر آینده بشار اسد شکست خورد. دور دوم مذاکرات پنهانی ایران و ترکیه پس از کودتای نافرجام در ترکیه و پیشرفت نیروهای کرد در شمال سوریه آغاز شد که آشتی میان آنکارا و مسکو را در پی داشت. این دور از مذاکرات هم با وجود مباحثات بر سر نحوه تقسیم قدرت سیاسی در سوریه و انتخاب میان برقراری یک نظام ریاست جمهوری یا پارلمانی در آن کشور در سایه بی‌اعتمادی متقابل بی‌نتیجه ماند و به مداخله نظامی مستقیم ترکیه در سوریه منجر شد. با وجود این تحولات میدانی اخیر در سوریه و ابهام در سیاست دولت جدید آمریکا و نزدیکی روسیه و ترکیه، بستر مناسبی برای همکاری میان ترکیه، روسیه و ایران فراهم آورده است.

نتیجه‌گیری

فتح حلب پیروزی بسیار بزرگی برای اسد است. این پیروزی، عزم او را برای پیشبرد استراتژی «فتح و جب به جب بقیه سوریه» راسخ‌تر خواهد ساخت. از هم‌اکنون، مقامات دولتی سوریه، از حرکت به سوی «ادلب» و شکستن محاصره «فوعه و کفریا» سخن می‌گویند. آنها مدتی را صرف بازیابی توان نظامی تحویل‌رفته خود بر اثر عملیات حلب و پس‌زدن پیشروی‌های اخیر داعش خواهند کرد و آنگاه که تجدید قوا کردند، به سوی ادلب به پیش خواهند تاخت. نیروهای اسد، حالا از یک سو توان نظامی و روحیه پیشروی دارند و از سوی دیگر، مخالفانشان بر اثر اختلافات درونی، ضعف روحیه و تنگنای ملزومات نظامی، توان

اقدام متقابل جدی ندارند. وحشت مخالفان از سیاست ترامپ در قبال سوریه، یعنی رهاکردن کامل سوریه موجب شده تا برخی حامیانشان مانند قطر اعلام کنند حتی اگر آمریکا حمایت خود را متوقف کند، آنها به مخالفان اسد یاری بیشتری خواهند کرد. مسئله مهم موضع ترکیه در قبال تسلیح مخالفان است. اردن مسیر تسلیح مخالفان را بسته و ممکن است ترکیه هم دست به اقدام مشابهی بزند. با این حال، تصور پیروزی برق‌آسا در سوریه چندان جدی نیست. مخالفان هنوز آن میزان نیروی انسانی و تجهیزات نظامی دارند که بتوانند تا مدتی قابل توجه مقاومتی مؤثر در برابر حملات نیروهای دولتی صورت دهند. اتحاد میان آنان به سبب احساس خطر از نابودی کامل تقویت شده است. سیاست ضدایرانی برخی اعضای آینده دولت ایالات متحده از یک سو و کوشش‌های اسرائیل برای ممانعت از پیروزی ایران و حزب الله در سوریه، دو خطر عمده‌ای است که هم عملیات نظامی تحت سرپرستی ایران در سوریه و هم شراکت راهبردی میان تهران و مسکو را تهدید می‌کند. با توجه به نقش محوری ایران در سوریه، هر دو عامل بر ادامه حضور ایران در سوریه مؤثر هستند. یک نکته را می‌توان تا حد زیادی با اطمینان بیان کرد؛ در ماه‌های آتی هم وضع کنونی ادامه خواهد یافت: اراده اسد و ایران برای ادامه جنگ؛ خودداری آمریکا از دخالت در سوریه و البته تلفات انسانی و هزینه‌های گزاف جنگ.

